

نیم نگاهی به تاریخچه علم اصول

چکیده:

شیعه با کمک گرفتن از علم اصول آن را مقدمه ای برای استنباط احکام شرعی قرار داده است؛ بدین معنا که فقیه در استنباط احکام شرعی نیازمند قواعدی است که علم اصول عهده دار آن می باشد و بدون علم اصول استنباط صحیح و کامل نمی باشد.

کلید واژه:

پیدایش، علت پیدایش، اولین کتاب، مراحل علم اصول

مقدمه:

در زمینه تاریخچه علم اصول کتب و مقالات زیادی نگاشته شده است؛ ولی با توجه به اینکه این شماره از مجله مرآت اختصاص به مباحث اصولی دارد لازم دیده شد؛ که نگاهی اجمالی به تاریخچه این علم داشته باشیم. برای کسی که می خواهد علمی را بیاموزد، لازم است سیر تاریخی از جمله پیدایش، علت پیدایش، ادوار پیشرفت، سیر تحول، بزرگان، صاحب نظران و کتب معروف آن علم را بیاموزد و با همه آنها آشنایی پیدا کند.

علت پیدایش

شهید صدر خود در این باره می فرماید: «دانش شریعت و یا فهم احکام شرعی در صدر اسلام آغاز شد و رشد آن در وقتی بود که شمار بزرگواران برای نگهداری احادیث وارده در پیرامون احکام به گردآوری آنها پرداختند. شیوه دریافت حکم شرعی از متون، در آغاز دشوار نبود زیرا از شیوه ساده ای که مردم در محاوره از آن استفاده می کردند تجاوز نمی کرد؛ ولی رفته رفته برای استنباط حکم شرعی از متون، نیازه ژرف کاوی بیشتری بود. پس کوشش شد تا دقت لازم در استنباط حکم شرعی از مآخذ آن به عمل آید. بدین سان، بذره های اندیشه وری فقهی پدید آمدند و علم شریعت از مرحله نقل حدیث به سطح استنباط و استدلال موشکافانه پا نهاده، از خلال اندیشه وری فقهی رشته های مشترک در کار استنباط روبه خودنمایی نهادند و جمع آوری و تنظیم عناصر مشترک دخیل در استنباط به پیدایش علم اصول انجامید. 1»

پیدایش

در میان شیعه و تسنن در پیدایش علم اصول اختلاف است. ایشان بر این عقیده اند که پای گذار و مؤسس علم اصول خودشان می باشد، تاجایی که برخی از مستشرقین پنداشته اند که اجتهاد در شیعه دویست سال بعد از اهل سنت پیدا شد، زیرا شیعه در زمان ائمه اطهار (ع) نیازی به اجتهاد نداشت و در نتیجه نیازی به مقدمات اجتهاد نداشت است، ولی این نظریه به هیچ وجه درست نمی باشد، چرا که اجتهاد به معنای صحیح کلمه یعنی (تفریع) و رد فروع بر اصول و تطبیق اصول بر فروع، از زمان ائمه اطهار (ع) در شیعه ورود داشته است و ائمه اطهار (ع) به اصحابشان دستور می دادند که تفریع و اجتهاد نمایند. 2

و علاوه بر این، می توان گفت عناوینی از قبیل عام و خاص، ناسخ و منسوخ، مجمل و مبین و ... در کلمات امیرالمؤمنین و دیگر ائمه وجود داشته و نطفه علم اصول توسط آنان بسته شده است.

در خطبه اول نهج البلاغه آمده است: «اکنون کتاب پروردگار شما میان شما است. حلال و حرامش آشکار و فریضه ها و مستحبات و ناسخ و منسوخ و مباح و ممنوع و خاص و عام و مطلقات و متشابهات در آن آمده است.»

در خطبه 208 شبیه این مطالب آمده، از ائمه اطهار (ع) روایت شده است: «علینا إلقاء الأصول و علیکم أن تفرعوا؛ بر ما است که قواعد و کلیات را بیان کنیم و بر شما است که آن قواعد و کلیات را بر فروع و جزئیات تطبیق دهید.»

به خصوص امام باقر و امام صادق (ع) اصول و شیوه های بهره وری از قرآن و سنت را تعلیم داده اند. بدین صورت که ایشان با املاي قواعد و کلیات علم اصول به شاگردان خود زمینه را برای پیدایش چنین علمی فراهم آورده اند. بنابراین می توان آنها را واضع و مؤسس علم اصول دانست. 3

مطلبی که به تدوین اصول در زمان رسول الله (ص) و ائمه (ع) کمک می کند، کلیاتی است که گاهی به آنها «جوامع الکلم» گفته می شود (أوتیت جوامع الکلم). این نوع سخنان غیر از سلطه وحی و عالم تشریع و تکوین، حاکی از نوعی سلطه سیاسی هم هست. از این رو آهنگ این جملات سنگین است؛ مانند: لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام، الزعم غازم والعاریه مردوده، المومنون عند شروطهم، قضی بالشفعه ما لم تورف و... این سخنان به رغم کوتاهی عبارت، اهمیت فقهی و اصولی بسیار دارند و درباره برخی از این عبارات (مانند لا ضرر ولا ضرار) کتاب ها و رساله های متعددی نوشته شده است.

البته به اعتقاد شهید صدر طبیعی است که علم اصول در بین اهل سنت زودتر از شیعیان بروز و ظهور پیدا کند، زیرا زمان فقدان نص برای اهل سنت با وفات نبی اکرم (11 or ق) آغاز می شود و از این زمان به بعد اهل سنت از عصر نص دور می شوند. اما زمان فقدان نص برای شیعه پس از شهادت امام حسن عسگری (260 ه. ق) و غیبت امام زمان (عج) آغاز می شود.

به همین جهت اهل سنت از اواخر قرن دوم هجری توسط ابن ادریس شافعی (متوفی: 182 ه. ق) و محمد بن حسن شیبانی (متوفی: 189 ه. ق) شروع به تصنیف کتب اصولی کردند، در حالی که تصنیف علم اصول در شیعه به شکل وسیع و مشتمل بر اباحت مختلف اصولی، از اوائل

قرن چهارم هجری آغاز شد، هر چند قبل از آن به شکل مختصر و در موضوعات خاصی، رسائلی از سوی اصحاب ائمه (ع) تألیف شده بود. ترویج و القای تفکر اصولی از سوی ائمه (ع) هر چند فرمایش شهید صدر مبنی بر اینکه مرور زمان و دور شدن از عصر نصوص علت پیدایش علم اصول می باشد، فی الجمله صحیح است؛ لکن باید توجه داشت که مرور زمان و دور شدن از عصر نصوص تنها عامل پیدایش علم اصول نیست، زیرا پیدایش علم اصول در شیعه ناشی از يك علت اساسی دیگری نیز می باشد و آن عبارت است از: ترویج و القای تفکر اصولی در بین شیعیان از سوی ائمه (ع).⁴

به همین جهت است که اولین تألیفات اصولی هر چند در زمینه‌ی يك یا چند بحث خاص، ابتدا از سوی شیعیان صورت می گیرد، مانند رساله‌ی مباحث الفاظ، تألیف هشام بن حکم (متوفای: 179 ه.ق) و اختلاف الحدیث، تألیف یونس بن عبدالرحمان (متوفای: 208 ه.ق). از سوی دیگر، معلوم نیست تألیفات شافعی و شیانی از اهل سنت نیز وسیع و به شکل يك دوره‌ی کامل اباحت اصولی بوده باشد و به فرض هم که چنین باشد، اگر علت پیدایش اصول در بین شیعه تنها عامل زمانی داشت می بایست همان گونه که تصنیف وسیع اصولی در بین اهل سنت حدود 150 سال بعد از عصر فقدان نص در نزد آنان پیدا شد، در بین شیعه هم همین زمان را بگذارند و در نیمه‌های قرن پنجم پیدا شود، در حالی که بلافاصله بعد از عصر غیبت، تألیف این گونه کتب آغاز می شود.

پس تنها عامل زمانی مطرح نیست، بلکه عامل ترویج فکر اصولی از سوی ائمه (ع) هم در کار است. ائمه (ع) به ویژه امام باقر و امام صادق (ع) که فرصت و مجالی برای تدریس و تعلیم پیدا کرده بودند، به اصحاب خود شیوه‌های به دست آوردن احکام و قواعد کلی و عناصر مشترک را تعلیم می دادند.

عبدالاعلی می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: ناخن پایم شکسته است. به همین جهت بر روی انگشت پایم پارچه ای بسته ام. چگونه وضو بگیرم؟ امام صادق (ع) فرمود: «يعرف هذا و اشباهه من كتاب الله عزوجل قال الله تعالى: ما جعل عليكم في الدين من حرج، امسح عليه»؛ حکم این مسأله و مشابه آن از کتاب خدا دانسته می شود خداوند در قرآن فرمود: «ما بر شما در امر دین حرج قرار نداده ایم، پس بر همان پارچه مسح کن.»⁵

اولین کتاب

همان گونه که آیه الله سید حسن صدر در تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام فرمود، اولین فردی که در مورد علم اصول سخن گفت و آن را پایه گذاری کرد امام باقر (ع) است. بدین جهت آن حضرت مؤسس این علم محسوب می شود.

امام باقر (ع) (شهادت: 111 ه.ق) و امام صادق (ع) (شهادت: 148 ه.ق) قواعد اصولی را بر اصحاب خود املا کردند. مجموعه‌ی این قواعد را عده ای از علمای متأخر در کتبی جمع آوری نموده اند. تمام روایات این کتب با سند متصل به این دو امام می رسد. اولین تألیفات علم اصول اولین کتاب در مورد مسائل علم اصول رساله ای در زمینه‌ی مباحث الفاظ است که تألیف شاگرد بارز امام صادق و امام کاظم ع هشام بن حکم (متوفای: 179 ه.ق) می باشد. پس از وی، یونس بن عبدالرحمن مولی آل یقطین (متوفای: 208 ه.ق) کتاب «اختلاف الحدیث و مسائل» را - که مربوط به بحث تعارض اخبار و مسائل تعادل و تراجیح احادیث متعارض می باشد - تألیف کرد، که به شکل روایت از امام کاظم (ع) است. این دو عالم شیعی در تألیف کتاب در باره‌ی علم اصول بر محمد بن ادریس شافعی و استادش، محمد بن حسن شیانی - از علمای اهل سنت - تقدم دارند.

مشاهیر علمای شیعی که تا زمان شیخ طوسی (متوفای: 460 ه.ق) کتبی در علم اصول تألیف کرده اند، عبارتند از: ابو سهل نوبختی، حسن بن موسی نوبختی، محمد بن احمد بن جنید اسکافی، ابن عقیل عثمّانی، ابو منصور صرام نیشابوری، محمد بن احمد بن داوود بن علی بن الحسن (مشهور به ابن داوود و شیخ القمینی)، شیخ مفید و سید مرتضی⁶

تألیف کتاب اصولی برای اولین مرتبه بنابر قول ابن خلدون توسط محمد بن ادریس شافعی بوده است، گرچه برخی اولین کتاب اصولی را به قبل از ایشان یعنی به قاضی ابو یوسف، شاگرد ابوحنیفه نسبت داده اند. ابن خلکان گفته است: اولین کسی که در اصول فقه کتاب نوشت، ابو یوسف بود که طبق مذهب استادش ابوحنیفه آن را تألیف کرد.

اما در خصوص تدوین کتاب اصولی توسط عالمان شیعی می توان گفت: اولین کسی که در این زمینه نگاشت، حسن بن علی بن ابی عقیل، صاحب کتاب "التمسک بحیل آل الرسول" است که در ابتدای غیبت کبری آن را نوشت. پس از او "ابوعلی محمد بن احمد بن جنید اسکافی" که از بزرگان و افاضل امامیه بود، در فقه و اصول و کلام تصنیفاتی داشت. ایشان استاد شیخ مفید و معاصر شیخ کلینی بود که در سنه 381 در ری درگذشت.

پس از وی شیخ مفید و بعد از او سید مرتضی، ملقب به علم الهدی (متوفای 336) و پس از او شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسین بن علی الطوسی (متوفای 460) و سلاربن عبدالعزیز دیلمی، صاحب کتاب "التقريب فی اصول الفقه" (متوفای 436) کتاب های پرارزشی در علم اصول نوشته اند.

دوره رشد و نمو

این دوره از اوائل قرن سوم شروع شده و تا اواخر قرن دهم ادامه یافت. خصوصیت این دوره این است که برخلاف دوره پیدایش، در کتابهای اصولی به جای بحث از یک یا چند مسأله اصولی، تمام مسائل علم اصول مورد بحث و بررسی قرار می گرفت. 7. نخستین کسی که در این زمینه دست به تألیف تقریباً جامع و مستقلاً زد، محمد بن نعمان ملقب به شیخ مفید (م 413 ق) است که الرسالة الاصولية یا التذکرة باصول الفقه⁵ (که یک رساله کوچک حدود 15-10 صفحه ای) را نگاشته است. پس از شیخ مفید، سید مرتضی (م 436 ق) الذریعة الی اصول الشریعة (برادر سید رضی است که جامع نهج البلاغه است) و سپس شیخ طوسی (م 460 ق) عُدّة الاصول را نوشته اند. (ایشان از شاگردان سید مرتضی می باشد، که مدتی نیز درس شیخ مفید را درک کرده است و حوزه نجف که حدود هزار سال از آن می گذرد بوسیله ایشان تأسیس شده است).

از علمای دیگر که در این زمینه دست به تألیف زدند می توان به:

الف) ابن زهره حلی (م 558 ق) کتاب غنیة النزوع الی علمي الاصول والفروع

ب) محقق حلی (م 676ق) کتاب المعارج فی اصول الفقه
 ج) علامه حلی (م 726ق) کتابهای تهذیب الوصول الی علم الاصول، نهایه الاصول الی علم الاصول، مبادی الوصول الی علم الاصول، و

دوره رکود

علم اصول بعد از صاحب معالم با ظهور اخباری ها مورد حمله شدید قرار گرفت. اخباریگری بوسیله میرزا محمد امین استرآبادی (م 1033ق) بنیان نهاده شد. وی با تألیف کتاب الفوائد المدنية اساس فقه اخباری را پی ریزی کرد و در آنجا خود را اخباری نامید و به مخالفت با علم اصول پرداخت و عده زیادی از علمای شیعه را با خود همراه کرد. وی مدعی بود که مسلک نو و جدیدی را ابداع نکرده، بلکه اخباریگری را روش اصحاب ائمه (ع) و قدما می دانست و لذا خود را محیی طریقه از بین رفته سلف صالح شیعه می دانست.

دوره کمال و نوآوری

آغازگر این دوره وحید بهبهانی (م 1206ق) است. وی با تلاش فراوان و مبارزه فراگیر با اخباریگری توانست حرکت نو و تکاملی در فقه و اصول آغاز کند. وی با تألیف حدود 103 رساله کوچک و بزرگ رشد علم اصول را در یک مسیر جدیدی قرار داد. 8 بعد از ایشان نیز همین مسیر ادامه یافت و کتابهای ارزشمندی در علم اصول نوشته شد. از مهمترین کتب اصولی که در این دوره، یعنی از عصر وحید بهبهانی تا امروز تدوین شده است عبارتند از:

الف) الفوائد الحائریة، وحید بهبهانی

ب) قوانین الاصول، میرزای قمی (م 1231ق)

ج) عوائد الایام، مولی احمد نراقی (م 1245ق)

د) هدایة المسترشدين، محمد تقی بن عبدالرحیم (م 1248ق)

ه) الفصول فی الاصول، شیخ محمد حسین بن عبدالرحیم (م 1260ق)

و) فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری (م 1281ق)

ز) کفایة الاصول، آخوند محمد کاظم خراسانی (م 1329ق)

ح) فوائد الاصول، تقریرات درس میرزا حسین نائینی (م 1355ق)

ت) درر الفوائد، عبد الکریم حائری (1355-1274ق)

ی) المقالات فی علم الاصول، ضیاء الدین عراقی (م 1361ق)

ک) نهایة الدراية فی التعلیقة علی الکفایة، محمد حسین اصفهانی (1361-1296ق)

ل) مناهج الوصول الی علم الاصول و الرسائل، سید روح الله موسوی خمینی (1409-1320ق)

م) مصباح الاصول، تقریر درس سید ابوالقاسم خوئی (1411-1371ق)

در پایان مطالب، بر خود لازم می دانم نام بزرگان و غوطه وران علم اصول را متذکر شوم تا بر ادعای بی دلیل برخی از اشخاص (غیر شیعه) مبنی بر عدم دخالت شیعه در بنا و رشد علم اصول مهر بطلان زده شود.

علمای اصولی از زمان ائمه (ع) تا اواخر قرن یازدهم

1- الامیر ابراهیم میرزا الصفوی بن بهرام میرزا ابن الشاه اسماعیل

(از نوادگان امام موسی کاظم (ع)) که در سال 984 در سن 34 سالگی به قتل رسیده است

2- الشیخ ابراهیم الرشتی النجفی (که در سال 132 وفات فرمودند و تقریراتی در بحث اصول دارند)

3- ابوالفتح بن مخدوم الحسینی الشریفی العریشاهی (در سال 976 وفات نمودند و کتب اصولی ایشان:

حاشیه علی الحاشیه الحلالیه علی الحاشیه الشریفه علی شرح الرساله القطیه

حاشیه طویلہ الذیل جداً علی بحث المجهول المطلق من شرح المطالع ومن حاشیه السید الشریف رساله فی علم اصول الفقه

4- ابوبکر احمد بن الحسین بن علی بن موسی بن عبدالله البیهقی

(در شعبان سال 384 متولد و در سال 458 وفات نمودند) کتاب اصولی ایشان: المدخل

5- احمد بن الخلیل بن الغازی القزوی

(در سال 1083 وفات نمودند و کتاب اصولی ایشان: حاشیه علی العده

6- ابوالعباس احمد بن محمد احمد الازدی الاشبیلی المعروف بابن الحاج

(در سال 647 وفات نمودند و کتاب اصولی ایشان: مختصر المستصقی (الغزالی فی اصول الفقه)

7- المولی احمد بن محمد الاردبیلی

(در سال 993 وفات نمودند و ایشان از شاگردان شهید ثانی می باشد)

8- احمد بن موسی بن جعفر ابوالفضائل جمال الدین الحلّی ابن طائوس

(وفات 673 ، برادر سید رضی و علامه حلّی از شاگردان ایشان می باشند، القواعد العده فی اصول الفقه از کتب اصولی ایشان میباشد)

9- السید بدر الدین بن احمد الحسینی العاملی النظری

(نسب ایشان به جبل عامل برمی گردد، ایشان صاحب تألیفاتی می باشند که مربوط به قرن دهم است)

10- جعفر بن حسن بن یحیی، ابوالقاسم نجم الدین محقق الحلّی

(تولد 601 : ، وفات 676 : ، از جمله مؤلفات ایشان میتوان 1 :- شرایع الاسلام 2- النافع مختصر الشرایع 3- المعتبر فی شرح المختصر 4-

نهج الاصول الی معرفه علم الاصول 5- المعارج فی اصول الفقه 6- نکت النهایه (ای نهایه الشیخ الطوسی) را نام برد .

11- السید جمال الدین بن عبد الله بن محمد بن الحسن الحسینی الجرجانی

- (از مولفات ایشان، کتاب: شرح علی تهذیب الاصول العلامة را میتوان نام برد که در سال 927 این کتاب را به اتمام رسانید)
- 12- جواد بن سعد بن جواد الکاظمی، المعروف بالفاضل الجواد (وفات 1065:، از شاگردان شیخ بهائی، از جمله تألیفات ایشان: غایه المامول فی شرح زبدة الاصول الشیخ البهائی (در علم اصول و کتبی دیگر در موضوعات مختلف)
- 13- حسام الدین بن جمال الدین بن محمد علی الطریحی النجفی (محل تولد: نجف، تاریخ تولد: 1005، تاریخ وفات: 1095، *
- 14- حسن بن جعفر بن حسن، بدرالدین الحسینی العاملی الموسوی الکرکی (تاریخ وفات (933: از شاگردان شهید ثانی می باشد و کتاب اصولی ایشان: العده الحلیه فی الاصول الفقیه (و کتبی دیگر در موضوعات مختلف)
- 15- حسن بن زین الدین بن علی، ابومنصور جمال الدین العاملی الجبعی (صاحب معالم)، تاریخ تولد: 959، تاریخ وفات: 1011
- 16- الحسن بن صافی بن عبدالله، ابو فزار ملک النحاة، تاریخ تولد: 489، تاریخ وفات: 568
- 17- حسن علی، بن عبدالله بن الحسین، ابوالحسن التستری الاصفهانی تاریخ وفات: 1069 (از شاگردان شیخ بهائی)
- 18- الحسن بن محمد بن شرفشاه، ابو محمد رکن الدین الحسینی الاسترآبادی تاریخ وفات: 717 (شرح مختصر ابن الحاجب فی الاصول، از تألیفات اصولی ایشان می باشد)
- 19- الحسن بن یوسف بن علی، ابو منصور جمال الدین العلامة الحلی تاریخ تولد: 647، تاریخ وفات: 726
- کتب اصولی ایشان: النکت البدیة فی تحریر الذریعة لسید المرتضی، غایة الوصول وایضاح السبل فی شرح مختصر منتهی الوصول، مبادی الوصول الی علم الاصول مطبوع، نهج الوصول الی علم الاصول، نهاية الوصول الی علم الاصول، تهذیب طریق الوصول الی علم الاصول كما فی كشف الظنون وفي الخلاصة تهذیب الوصول
- 20- حسین بن عبدالحق، کمال الدین الاردبیلی الالهی تاریخ وفات: 950 (شرح تهذیب الاصول للعلامة، از کتب اصولی ایشان می باشد.
- 21- الحسین بن عثیل بن سفان الخفاجی الحلبي الاصولی تاریخ وفات: 507
- 22- حسین بن محمد بن حسین الخوانساری الأصفهانی تاریخ تولد: 1016، تاریخ وفات: 1098
- (کتب اصولی ایشان: تألیف فی علم اصول، رسالة فی نفی مقدمة الواجب ردّ فیها علی الفاضل القزوينی
- 23- حسین بن محمد بن محمود، ابو طالب علاء الدین الحسینی الاصفهانی خلیفة سلطان تاریخ تولد: 1001، تاریخ وفات: 1064
- 24- حمزة بن علی بن زهره، ابوالمکارم الحسینی الاسحاقی الحلبي تاریخ تولد: 511، تاریخ وفات: 585
- 25- حمزة بن محمد، ابویعلی الجعفری البغدادی تاریخ وفات: 465
- 26- خلیل بن الغازی القزوينی تاریخ تولد: 1001، تاریخ وفات: 1089
- (از تألیفات اصولی ایشان: شرح العده فی الاصول)
- 27- زین الدین بن علی بن احمد العاملی الجبعی الشهید الثانی تاریخ تولد: 911، تاریخ وفات: 966 (کتاب اصولی ایشان: تمهید القواعد الاصولیه، ویش از هفتاد کتاب در موضوعات مختلف)
- 28- سالار بن عبد العزیز، ابو یعلی الدیلمی الطبرستانی تاریخ وفات: 448، (کتب اصولی ایشان: التفریب، التهذیب و...)
- 29- سلیمان بن عبد القوی بن سعید، تجم الدین ابن ابی الحنبلی الطوفی تاریخ تولد: 652، تاریخ وفات: 716
- 30- شرف الدین المراغی تاریخ وفات: 788
- 31- عبدالله بن الحسین التستری تاریخ وفات: 1021 (کتاب اصولی ایشان: تعلیقه علی التهذیب)
- 32- عبدالله بن علی بن زهره (ابوالقاسم جمال الدین الحسینی الحلبي) تاریخ ولادت: 531
- 33- عبدالله بن محمد التونی البشروی الخراسانی تاریخ وفات: 1071 (کتب اصولی ایشان: الوافیة فی الاصول، شرح تهذیب الشیخ، حاشیه علی المعالم، حاشیه علی المدارک، رساله فی اصول الفقه و...)

- 34- عبدالمطلب بن محمد بن علي، عميد الدين الاعرجي الحسيني المعروف بالمعدي
تاريخ تولد: 681 ، تاريخ وفات: 754
- 35- علاء الدين بن محمد بن حمد بن زهره العلوي الحسيني الحلبي
تاريخ وفات: 749 (كتاب اصولي ايشان: نذير الاصول الى علم الاصول والكلام)
- 36- علي بن الحسين الشريف المرتضى
تاريخ تولد: 355، تاريخ وفات: 436 (كتب اصولي ايشان: الذريعة في الاصول، الخلاف في اصول الفقه، المسائل المفردة في اصول الفقه
و...)
- 37- علي بن الحسين بن علي، ابو الحسن المسعودي الهذلي المؤرخ
تاريخ وفات: 346 (كتب اصولي ايشان: نظم الادله في اصول المل... في اصول الفقه، كتاب الرسائل، نظم الاعلام في اصول الاحكام و...)
- 38- علي بن زيد بن محمد، ابو الحسن البيهقي النيشابوري
تاريخ تولد: 499، تاريخ وفات: 565 (كتب اصولي ايشان: اصول الفقه، نهج الرشاد في الاصول، كنز الحجج في الاصول،
جلاء صدهاء الشك في الاصول، ايضاح البراهين في الاصول و...)
- 39- فخر الدين بن محمد علي الاسدي النجفي الطرحيني
تاريخ وفات: 1085 (كتاب اصولي ايشان: فوائد الاصول شرح المبادئ الاصوليه و...)
- 40- فيض الله بن عبد القاهر الحبيبي التفرشي النجفي
كتابي در باب اصول در سال 1013 تاليف کرده است
- 41- محسن بن الحسن بن مرتضى الاعرجي، المعروف بامحقق الكاظمي
تاريخ وفات: 227 (كتاب اصولي ايشان: المحصول في الاصول)
- 42- محمد بن احمد بن جبينه، ابو علي الكتاب الاسكافي (از علمای قرن چهارم)
- 43- محمد تقی الله الدهخوارانی القزوینی
تاريخ وفات: 1093 (كتاب اصولي ايشان: حواشي على العده)
- 44- محمد بن الحسن بن علي، ابو جعفر الشيخ الطوسي
تاريخ تولد: 385، تاريخ وفات: 411 (كتاب اصولي ايشان: العده)
- 45- محمد بن الحسن الشيرواني الاصفهاني، المعروف بالفاضل الشيرواني
تاريخ وفات: 1098
- 46- محمد بن الحسن آقا رضى القزوینی تاريخ وفات: 1096
- 47- محمد بن الحسين بن عبد الصمد، بهاء الدين الحارثي الهمداني العاملي الجبعي (المعروف بالشيخ البهائي) تاريخ تولد: 953، تاريخ
وفات: 1030
- از تالیفات ايشان: الزيد مطبوع وشرحه الشيخ جواد الكاظمي المعروف بالفاضل، لغز الزيد، حواش على قواعد الشهيد، حواشي الزيد،
حاشيه شرح العضدى على مختصر الاصول، شرح شرح الرومى على المخلص
- 48- محمد بن حيدر، رفيع الدين الحسيني الطباطبائي النائيني
تاريخ وفات: 1099 (كتاب اصولي ايشان: حاشيه على مختصر الاصول)
- 49- محمد طاهر بن محمد حسين الشيرازي القمي تاريخ وفات: 1098
- 50- محمد علي بن محمد البلاغي النجفي
تاريخ وفات: 1000 (كتب اصولي ايشان: شرح ارشاد العلامة، حواشي التهذيب، حواشي اصول المعالم)
- 51- محمد بن علي بن محمد الحرفوي
الحريري العاملي الكركي الشامي
تاريخ وفات: 1059 (كتب اصولي ايشان: شرح الزيد في الاصول، شرح قواعد الشيعه)
- 52- محمد بن علي بن محمد، ركن الدين
الجرجاني الاسترآبادي الحلّي الغروي
(از شاگردان علامه حلّي می باشد وشرحي بر مبادئ الاصول علامه دارد که در سال 697 از تاليف ان كتاب فارغ شده است)
- 53- محمد بن محمد بن نعمان،
ابو عبدالله الحارثي البغدادي (الشيخ المفيد)
- تاريخ تولد: 336، تاريخ وفات: 413 (از كتب اصولي ايشان: الارشاد، كشف الالتباس، اصول الفقه، النكت، التمهيد)
- 54- محمد بن مكّي بن محمد، ابو عبدالله شمس الدين العاملي النباطي الجزيني الشهيد الاول
تاريخ تولد: 734، تاريخ وفات: 786 (از كتب اصولي ايشان: القوائد والفوائد في الفقه مختصر، شرح التهذيب العلامة)
- 55- مراد بن علي خان التفريشي
تاريخ تولد: 965، تاريخ وفات: 1051 (از كتب اصولي ايشان: لبّ الفرائد في اصول الفقه، الوسيله الرضويه (شرح لبّ الفرائد))
- 56- ناصر بن ابراهيم البويهی، نزیل عینا
تاريخ وفات: 852
- 57- نورالدين بن شريف الدين نورالله المرعشي الحسيني التستري الشهيد الثالث ؛ تاريخ تولد: 956، تاريخ وفات: 1019 (از كتب اصولي

ایشان: حشیه علی تهذیب الاصول علامه، حاشیه علی قواعد علامه، حاشیه علی شرح المختصر للعضدی، شرح حدوث العام انموذج الدوانی)

58- هشام بن الحکم (از اصحاب امام صادق علیه السلام)

59- یحیی بن احمد بن ظافر، ابوالفضل الطائی الکلبی الحلبی

تاریخ تولد: 575، تاریخ وفات: 630

60- یحیی بن احمد بن الحسن بن سعید الحلبی بن عم المحقق

تاریخ تولد: 601، تاریخ وفات: 689 (کتاب اصولی ایشان: المدخل)

61- یحیی بن سعید بن هبه الله، ابوطالب الشیبانی البغدادی الکاتب

تاریخ وفات: 594

پی نوشت

1- المعالم الجديدة جلد 3 صفحه 54.

2- اصول فقه، فقه (کلیات علوم اسلامی 3)، صفحه 25.

3- ائمه و علم اصول، صفحه 18.

4- تاریخ علم اصول .

5- همان.

6- رجال، نجاشی، صفحه 399.

7- الوسيط صفحه 18.

8- همان.

9- اعيان الشيعة .

منابع

1- تاریخ علم اصول، آیت الله مهري هادوی تهرانی، قم، کتاب خرد، چاپ دوم 1385.

2- دروس فی علم اصول، سید محمد باقر صدر، قم، شریع، چاپ چهارم 1428.

3- الوسيط في اصول الفقه، جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، 1380، ج 1.

4- رجال، نجاشی، قم، نشر جامعه مدرسين .

5- اصول فقه، فقه (کلیات علوم اسلامی 3)، شهید مطهری، قم، صدرا، چاپ سی و چهارم (1389).

6- دانش مسلمین، محمد رضا حکیمی، فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم 1371.

7- جایگاه شناسی علم اصول، سید حمید رضا حسنی و مهدی علی پور، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول 1385، ج اول.

8- اصول الاستنباط، آیت الله السید علی نقی الحیدری، دار الکتب الاسلامیه چاپ هشتم 1388 .

9- منتهی الاصول، شهید سید عبدالصاحب حکیم، چاپ اول 1413، چاپخانه امیر، هفت جلد.

10- نهاية الاصول، آیت الله حسنتلی منتظری، قم، تفکر، چاپ اول 1415 .

11- مباحث الاصول، آیت الله سید کاظم حائری، قم، مقرر، چاپ سوم 1408.

12- ائمه و علم اصول، سید احمد میر عمادی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول 1384.

13- المعالم الجديدة، سید محمد باقر صدر، تهران، نعمان، چاپ دوم 1395 .

14- أعيان الشيعة، علامه السید محسن الامین، چاپ بیروت، 10 جلدی .

15- نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مؤسسه طوبی محبت، چاپ اول، 1385.